

دین؛ بازیگر جهانی

حسن روحانی، محی‌الدین مصباحی و داوود فیرحی

مشمیری، ش ۳۷۳۷۰، ۱۰/۲۸/۱۳۸۷

این مقاله گزارشی از میزگرد «دین و روابط بین‌الملل» و «اسلام و روابط بین‌الملل» است که در این نشست آقای روحانی سکولاریسم را به معنای کاهش نقش دین در عرصه سیاسی و اجتماعی و به انزوا کشیدن آن می‌داند. هدف غرب از این کار این بود که انسان را برجای خدا بنشانند و عقل را به جای وحی. در قرن هیجده و اوایل قرن نوزده، سکولاریسم در غرب نهادینه شد و به تدریج حالت جهانی به خود گرفت. این وضع تا اواخر قرن بیستم ادامه داشت تا این‌که فردگرایی، عقلانیت ابزاری و محدود شدن زندگانی به رفاه مادی در غرب، انسان غربی را بیگانه و از معنویت و اخلاق تهی کرد و در واقع به پیدایی انسان تک بعدی انجامید. این وضعیت چندان نپایید و از دهه‌های شصت و هفتاد قرن بیستم در آمریکا، هجوم به کلیساها شروع شد و حتی ادیان شرقی و آسیایی در آن سامان و در کل غرب، جایای محکمی پیدا کردند. این تحول هنوز هم در غرب ادامه دارد. شرایط در شرق متفاوت بود. در ایران، دین جایگاه خاص خود را داشت در همان اوایل قرن بیستم که دوران پایان دین در غرب بود، نقش حوزه‌های علمیه و علمای دینی در جهان اسلام و ایران زیاد بود.

آقای مصباحی به موضوع جایگاه دین در پارادایم‌های روابط «بین‌الملل» اشاره دارد و در آغاز با تفکیک دو بخش عملی و نظری نقش دین در این عرصه (بین‌الملل) در جهان اسلام گفت: «بخش عملی نقش دین با سید جمال‌الدین اسدآبادی شروع می‌شود، اما مطلبی که هم در میان مسلمانان و هم در بین غیرمسلمانان، جدید است، بحث‌های تئوریک می‌باشد. باید بررسی کرد که پارادایم‌های اصلی بین‌المللی چه نقشی به مذهب داده‌اند؟» به نظر فلوریدا، دو سنت لیبرالیسم و مارکسیسم، مبانی فلسفی پارادایم‌های بین‌المللی موجود را تشکیل می‌دهند. با این حال، پس از جنگ سرد، شاهد پیدایش سه تئوری عمومی هستیم:

۱. نظریه فوکویاما یا پایان تاریخ که در واقع با آن، پایان همه ایدئولوژی‌ها را اعلام کرد.
۲. نظریه هانتینگتون؛ او هویت را در نظام بین‌الملل گوشزد می‌کند و در واقع نوعی ژئوپولیتیک مذهبی ارائه می‌دهد.

۳. نظریه‌ای که به آن خیلی کم توجه شده است، نظریه جان مرشایمر نوواقع‌گرای آمریکایی است. به نظر وی ایدئولوژی، مذهب و هویت نقش تعیین‌کننده‌ای در روابط بین‌الملل دارند. به نظر آقای مصباحی پس از یازده سپتامبر، مذهب وارد کارتئوریک شد. ورود مذهب به این عرصه، چالش‌هایی را برای آن پدید آورد. نخست چالش‌هایی که از رویارویی با پارادایم رئالیسم در حوزه روابط بین‌الملل حاصل می‌شود. پارادایم دوم، لیبرال

و چالش برخاسته از آن در برابر مذهب است. پارادایم سوم؛ چپ انتقادی و سازه‌انگاری است. سه چالش عمده بر سر راه دین در ایران وجود دارد: ۱. چالش علمی؛ ۲. چالش مرتبط با فضاها؛ ۳. چالش تئوریک.

آقای فیرحی درباره «پست سکولاریسم، فقه‌اسلامی و روابط بین‌الملل» گفت: «پست سکولاریسم، بازگشت دین به حوزه عمومی، خواه داخلی و خواه روابط بین‌الملل است.» به لحاظ تاریخی دو معضل عمده بر سر راه کشورهای اسلامی قرار دارد؛ یکی مربوط به داخل کشورهای اسلامی است و آن این که مذهب در این کشورها، خصلت «تبرایی» پیدا کرده است. معضل دیگر در رابطه با مذهب در جهان اسلام، این است که چون بسیاری از کشورهای اسلامی به نحوی از دخالت استعمار رنج می‌برده‌اند و از طرفی هم، ادبیات استعماری، لیبرالی بوده، لذا مذهب در تقابل با لیبرالیسم رشد کرده است. بنابراین باید دید که آیا اسلام می‌تواند در جهان پسا سکولار مدیریتی را بر عهده گیرد و اجرا کند؟ وی در پایان درباره نحوه مشارکت ادیان در جهان پسا سکولار یادآور شد: «این مشارکت که حاصل تغییری در گفتمان جهانی است، احتمالاً به نوع استراتژی‌ای برمی‌گردد که در تبیین مبانی دینی خود در نظر می‌آوریم، ما باید نظریه بین‌الملل خود را، به یک «متاتئوری» بدل کنیم. در این زمینه باید از تجربه دیگران هم بهره بگیریم. بر این باورم که در بین ادیان، اسلام، پتانسیل بیشتری در تکیه بر گزاره‌های مشترک ادیان داشته باشد و از این جهت شاید بتواند مشارکت بهتری را در عرصه بین‌الملل صورت دهد».

گزارشگر: ابوالفضل حسینی

مشکلی به نام زبان علم

داور شیخاوندی

مهرپوری، ش ۳۷۳۰، ۴/۱۰/۱۳۸۷

مشکل ترجمه متون جامعه‌شناختی و فلسفی در ایران گویی حل ناشدنی است. ترجمه‌های پر از اغلاط محتوایی که باعث می‌شود فهم متن با مصائبی خاص همراه شود؛ آقای شیخاوندی در این باب سخن گفته و معتقد است که هایدگر هنگامی که در باب مسأله هستی، کلیات تئوری خود را سامان داد، فصل مهمی را به «زبان» اختصاص داد و آن را در مفهومی کلان مطرح کرد. رنالیست‌های انتقادی نیز معتقدند که زبان اساساً ماهیتی دارد که در «معرفت» نسبت به جهان و ساحت‌های اجتماعی نقشی کلیدی ایفا می‌کند. اما در ایران گویی به علت ناهم‌سازی موجود میان علوم انسانی غربی و متن اجتماعی ما، «زبان» به عنوان عامل معرفت‌ساز نمی‌تواند نقشی پویا را ایفا کند و ترجمه‌های متون فلسفی و جامع‌شناختی،

بازتاب اندیشه ۱۰۶

گزارش‌ها